

گزارش

«شرق» از اقدام تهران در بازگشایی تنگه هرمز به دنبال آتش بس در لبنان گزارش می‌دهد

هرمز در مسیر محتاطانه کاهش تنش

هدی بازرگان: تحولات چند روز اخیر در منطقه، بیش از هر زمان دیگری نشان می‌دهد که منطق تقابل به‌تدریج جای خود را به مدیریت تنش و باآزایی دیپلماتیک داده است. هم‌زمانی اعلام آتش بس در لبنان با برخی اقدامات عملی در یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان، یعنی تنگه هرمز، بیانگر شکل‌گیری یک روند جدید است که می‌تواند مسیر بحران را تغییر دهد. در این میان، اقدام ایران برای آزادسازی تردد کشتی‌های تجاری را باید فراتر از یک تصمیم اجرائی دانست؛ این تصمیم در واقع سینکالی استراتژیک به بازارهای جهانی و بازیگران سیاسی است مبین بر اینکه تهران در مقطع کنونی، به دنبال تثبیت نقش خود به‌عنوان یک بازیگر مسؤل در مدیریت امنیت منطقه‌ای است.

از سوی دیگر، هم‌زمانی این اقدام با افزایش تحرکات دیپلماتیک از میانجیگری پاکستان گرفته تا تحرکات اروپا برای مدیریت معادلات تنگه هرمز نشان می‌دهد یک نوع هم‌گرایی نسبی برای مهار بحران در حال شکل‌گیری است. هرچند اختلافات بنیادین همچنان پابرجاست، اما نشانه‌ها حاکی از آن است که بازیگران مختلف، به‌ویژه پس از تجربه هزینه‌های سنگین جنگ، به دنبال مسیری‌های کم‌هزینه‌تر برای پیشبرد اهداف خود هستند. در چنین شرایطی، تنگه هرمز بار دیگر از یک نقطه تنش‌زا به یک اهرم تنظیم‌کننده در معادلات منطقه‌ای تبدیل شده است.

اعلام رسمی تهران: تردد در هرمز آزاد شد

در پی اعلام آتش‌بس روز پنجشنبه در لبنان، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، عصر روز جمعه از آزادسازی کامل تردد کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز خبر داد. وی طی پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که «عبور و مرور تمامی کشتی‌های تجاری از طریق تنگه هرمز برای باقی‌مانده دوره آتش‌بس به‌طور کامل آزاد است» و تأکید کرد: «این تردد باید در مسیری‌های هماهنگ‌شده و اعلام‌شده از سوی سازمان بنادر و دریانوردی انجام شود». به دنبال این خبر، ترامپ هم در تروث‌سوشال تنگه هرمز را «تنگه ایران» خواند و نوشت: «ایران به‌تازگی اعلام کرده که تنگه ایران کاملا باز است و آماده عبور کامل. متشکریم». ترامپ در پیام دیگری مدعی شد: «تنگه هرمز کاملا باز است و برای کسب‌وکار و عبور بدون مانع آماده است، اما محاصره دریایی در رابطه با ایران، تنها تا زمانی که معامله ما با ایران صد درصد کامل شود، به فوت خود باقی خواهد ماند. این فرآیند باید بسیار سریع پیش برود، زیرا بیشتر بندها قبلا مورد توافق قرار گرفته است. از توجه شما به این موضوع سپاسگزارم». شبکه خبر هم به نقل از مقام ارشد نظامی و پس از اعلام بازگشایی تنگه هرمز از سوی ایران خبر داد: «صرفاً شناورهای غیرنظامی از مسیری‌های تعیین‌شده با اجازه نیروی دریایی سپاه می‌توانند تردد کنند و تردد شناورهای نظامی از تنگه هرمز کمادان ممنوع است.»

ایتن موضوع‌گیری‌های دو طرف (ایران و آمریکا) اگرچه حکایت از نوعی احتیاط عمل دارد، با این حال رویترز از کاهش بیش از هشت‌درصدی قیمت نفت برنت و نفت آمریکا پس از اعلام بازگشایی تنگه هرمز-خبر داد. این تصمیم از جانب ایران در شرایطی اتخاذ شده که پیش‌تر تنش‌ها بر سر این آبراه راهبردی به اوج رسیده بود. فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) دوشنبه گذشته با استناد به دست‌نخورده دونالد ترامپ، اعلام کرده بود که ۱۳ آوریل اجرای محاصره دریایی علیه رفت‌وآمد کشتی‌ها به بنادر ایران را آغاز می‌کند. در بیانیه سنتکام ادعا شده بود که این محدودیت‌ها شامل تمامی شناور‌ها خواهد شد، هرچند تأکید شده بود عبور کشتی‌هایی که مقصد غیرایرانی دارند، محدود نخواهد شد. با این حال، گزارش‌ها نشان می‌دهد این سیاست عملاً نتوانسته مانع فعالیت‌های دریایی ایران شود. تسنیم به نقل از مؤسسه «تاکتیک‌ترکز» گزارش داده است که ایران از زمان اعلام این محدودیت‌ها، موفق به انتقال حدود ۹ میلیون بشکه نفت خام از مخازن شناور خود در دریای عمان شده است. همچنین دو میلیون بشکه دیگر نیز پیش از آغاز این محدودیت‌ها از منطقه خارج شده بود. این داده‌ها نشان می‌دهد که جریان صادرات انرژی ایران، حتی در شرایط فشار، ادامه داشته و اکنون با آزادسازی تردد در تنگه، می‌تواند با سهولت بیشتری دنبال شود. در همین حال، برخی مقامات داخلی نیز بر رویکرد متفاوت ایران در قبال تنگه هرمز تأکید دارند. احمد نادری، نماینده مجلس هم در توضیح طرح «تثبیت حاکمیت ایران در تنگه هرمز» اعلام کرده که ایران به دنبال ایفای نقش تنظیم‌گر در این آبراه است، نه ایجاد اختلال. به گفته او، پیش‌بینی سازوکارهای مالی جدید و امکان تسویه‌حساب از طریق نظام بانکی منطقه، بخشی از این طرح است و درآمد حاصل از مدیریت ترافیک دریایی می‌تواند تا ۱۰ یا ۱۵ میلیارد دلار برسد. لذا باید عنوان کرد که ایران در مقطع کنونی، هم‌زمان با حفظ موقعیت راهبردی خود، در حال حرکت به سمت تسهیل تردد دریایی و کاهش تنش در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان است.

هرمز در مرکز دیپلماسی با هماهنگی تهران

هم‌زمان با اقدام ایران، تحرکات بین‌المللی پیرامون تنگه هرمز نیز افزایش یافته است. روزنامه تلگراف گزارش داده است فرانسه و انگلیس در حال تدوین طرحی برای ایجاد یک مأموریت دریایی در این منطقه هستند؛ طرحی که هدف آن، تضمین امنیت کشتیرانی پس از پایان جنگ عنوان شده است. بر اساس این گزارش، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و کی‌یر استارم، نخست‌وزیر انگلیس در تلاش هستند ائتلافی از کشورهای اروپایی را برای این مأموریت شکل دهند. نکته شایان توجه آن است که در این طرح، حضور مستقیم آمریکا پیش‌بینی نشده و حتی تأکید شده که هماهنگی با ایران برای اجرای این مأموریت ضروری خواهد بود. ژان نوبل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه نیز اعلام کرده است این مأموریت تنها در صورت برقراری آرامش و توقف درگیری‌ها قابل اجرا خواهد بود. به گفته او، هماهنگی با کشورهای منطقه ازجمله ایران، بخشی از این طرح خواهد بود. در همین حال، برخی کشورهای اروپایی نسبت به درخواست‌های آمریکا برای مشارکت در محاصره بنادر ایران واکنش منفی نشان داده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که این کشورها تمایلی به ورود به یک تقابل مستقیم ندارند و ترجیح می‌دهند نقش خود را در چارچوب مأموریت‌های امنیتی و پس‌انجک تعریف کنند. از سوی دیگر، برگزاری نشست‌های دیپلماتیک منطقه‌ای نیز نشان‌دهنده افزایش تلاش‌ها برای مدیریت بحران است. ترکیه، مصر، عربستان و پاکستان در قالب نشست‌های چندجانبه، موضوعاتی مانند جنگ ایران و وضعیت تنگه هرمز را در دستور کار قرار داده‌اند. در همین راستا عصر دیروز جمعه نشست وزرای خارجه عربستان سعودی، ترکیه، مصر و پاکستان درباره تحولات منطقه پشت درهای بسته در آنتالیا برگزار شد.

در مجموع، به نظر می‌رسد تنگه هرمز به یکی از محورهای اصلی تعاملات دیپلماتیک تبدیل شده؛ جایی که هم‌زمان رقابت و همکاری میان بازیگران مختلف در جریان است. در این میان، اقدام ایران برای آزادسازی تردد کشتی‌ها نه‌تنها به کاهش نگرانی‌های فوری کمک کرده، بلکه زمینه را برای شکل‌گیری گفت‌وگوهای گسترده‌تر درباره امنیت منطقه‌ای فراهم آورده است.

موسی موحد: از چهارشنبه‌شب هفته گذشته تاکنون، دو تحول مهم مسیر مذاکرات میان ایران و آمریکا برای پایان‌دادن به جنگ و رسیدن به توافق را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده است: تحولاتی که به نظر می‌رسد فضای مذاکرات را از حالت ابهام و تردید به سمت نوعی احتیاط همسراه با خوش‌بینی سوق داده‌اند. نخست، سفر غیرمنتظره و معنادار فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران و دیدارهای فشرده او با مقامات عالی‌رتبه ایرانی ازجمله محمدباقر قالیباف، مسعود یرتشیکان، عباس عراقچی و فرماندهان نظامی بود؛ سفری که از همان ابتدا به‌عنوان بخشی از تلاش‌های میانجیگرانه اسلام‌آباد برای احیای مذاکرات تهران-واشنگتن تفسیر شد. دوم، اعلام آتش‌بس در لبنان در روز پنجشنبه که یکی از پیش‌شرط‌های کلیدی تهران برای ادامه روند مذاکرات به شمار می‌رفت و اکنون عملاً محقق شده است.

هرچند شکنندگی آتش‌بس اعلامی لبنان قدری بر ابهامات افزوده است، اما هم‌زمانی این دو رخداد (سفر منیر به تهران و آتش‌بس لبنان)، از نگاه ناظران، نه‌تنها یک تصادف دیپلماتیک، بلکه نشانه‌ای از فعال شدن یک مسیر هماهنگ برای مدیریت بحران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. ایران پیش‌تر تأکید کرده بود هرگونه آتش‌بس باید ماهیتی فراگیر داشته باشد و لبنان را نیز در بر بگیرد؛ شرطی که اکنون با اعلام آتش‌بس ۱۰ روزه در لبنان، با میانجیگری پاکستان، تا حد زیادی تأمین شده است. در چنین فضایی، نشانه‌هایی از تحرک دوباره در مسیر مذاکرات نیز دیده می‌شود؛ از بررسی تمدید آتش‌بس دوهفته‌ای برای فراهم‌کردن زمان بیشتر برای گفت‌وگوها تا گمانه‌زنی‌ها درباره برگزاری دور جدید مذاکرات در اسلام‌آباد که افق پیش‌رو را روشن‌تر می‌کند. درعین حال هرچند تردیدها درباره نیت و رفتار آمریکا همچنان پابرجاست، اما مجموعه این تحولات باعث شده بسیاری از تحلیلگران، چشم‌انداز فعلی را در مقایسه با روزهای گذشته مثبت‌تر ارزیابی کنند؛ چشم‌اندازی که اگرچه همچنان شکننده است، اما بیش از هر زمان دیگری به یک توافق، حتی به شکل موقت نزدیک به نظر می‌رسد.

سفر عاصم منیر: فعال شدن میانجیگری پاکستان

سفر فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران را باید نقطه آغاز موج جدید تحرکات دیپلماتیک روزهای اخیر پس از آتش‌بس تهران-واشنگتن دانست. او چهارشنبه‌سب گذشته با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، دیدار کرد؛ دیداری که بلافاصله با پیام عراقچی در شبکه اجتماعی ایکس همراه شد. مسؤل سیاست خارجی، که کشورمان در این پیام ضمن استقبال از این مقام ایرانی، به «تعهد مشترک دو کشور به صلح و ثبات منطقه‌ای» تأکید کرد روابط تهران-اسلام‌آباد را عمیق و راهبردی توصیف کرد. این سفر تنها به دیدار با دستگانه دیپلماسی محدود نشد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در دیدار با منیر، بر سبایت قطعی ایران در توسعه روابط با همسایگان، به‌ویژه پاکستان، تأکید کرد و نقش این کشور در میانجیگری برای آتش‌بس و مذاکرات را مورد تقدیر قرار داد. قالیباف درعین حال با اشاره به بدعهدی‌های طرف مقابل، بر لزوم پایبندی واقعی به توافقات تأکید کرد. فرمانده ارتش پاکستان در دیدار با مسعود یرتشیکان، رئیس‌جمهور ایران، با تأکید بر ادامه مسیر دیپلماسی، ابراز امیدواری کرد که با تدوام این روند، به‌زودی امکان دستیابی به توافق پایان جنگ فراهم شود. در این دیدار، مسعود یرتشیکان با قدردانی از نقش «مؤثر و مسئولانه» پاکستان در مسیر توقف درگیری‌ها، تأکید کرد که ایران همواره به دنبال صلح، ثبات و گسترش روابط برادرانه در منطقه بوده است. او همچنین با اشاره به اهمیت هم‌گرایی جهان اسلام تصریح کرد که «وحودت اسلامی می‌تواند مانع تحقق اهداف رژیم صهیونیستی شود» و افزود امنیت منطقه باید از طریق کشور‌های منطقه تأمین شود.

رئیس‌جمهور ایران در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به سابقه بدعهدی‌های واشنگتن، گفت که به دلیل نقض تعهدات، اعتماد عمومی در ایران به آمریکا تضعیف شده است. در مقابل، عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، با تأکید بر ضرورت تدوام تلاش‌های دیپلماتیک، اظهار کرد که این مسیر می‌تواند در آینده‌ای نزدیک به توافق و پایان جنگ منجر شود. او همچنین بر لزوم همکاری همه کشورها برای ساختن منطقه‌ای امن و باثبات تأکید کرد. در سطح نظامی نیز دیدارهایی میان فرمانده ارتش پاکستان و مقامات ارشد نظامی ایران، از جمله سرلشکر عبداللهی، فرمانده قراگاه خاتم‌الانبیا برگزار شد. در این دیدار‌ها، دو طرف بر ثبات مرزها، همکاری ازبانه امنیتی و آمادگی دفاعی ایران تأکید کردند. مهم‌تر از همه، گزارش‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که مأموریت اصلی منیر از سفر به ایران، انتقال پیام‌ها میان تهران و واشنگتن و فراهم‌سازی زمینه برای دور جدید مذاکرات بوده است. منابع خبری از جمله الجزیره تأکید کرده‌اند که پاکستان به‌طور فعال در حل تبادل پیام میان دو طرف و آماده‌سازی برای مذاکرات مستقیم است. همچنین گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تصمیم‌گیری درباره ادامه مذاکرات تا حدی به نتایج این سفر و ارزیابی ایران از آن وابسته است. به ادعای تسنیم و به نقل از منابع آگاه، تیم ایرانی پس از بررسی نتایج دیدار با هیئت پاکستانی، درباره زمان و نحوه دور بعدی مذاکرات تصمیم خواهد گرفت. در این میان، اسلام‌آباد همچنان گزینه اصلی برای میزبانی مذاکرات باقی مانده است؛ موضوعی که هم از سوی منابع ایرانی و هم کاخ سفید تأیید شده و نشان می‌دهد پاکستان در حال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان میانجی کلیدی در این بحران است.

آتش بس شکننده لبنان و تحقق نیت‌بند پیش شرط تهران
همان‌طور که گفته شد، اعلام آتش‌بس روز پنجشنبه در لبنان را باید دومین تحول تعیین‌کننده در مسیر مذاکرات دانست. دونالد ترامپ در همین روز اعلام کرد که پس از تماس

روایت «شرق» از تحولات تازه در مسیر پریپچ و خم توافق؛ از سفر عاصم منیر به ایران تا توافق لرزان در لبنان

دیپلماسی در نقطه چرخش

نصرت‌الله تاجیک: ترامپ به دنبال گرفتن اهرم‌های ایران است



تلفنی با جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، دو طرف توافق کرده‌اند از نیمه‌شب به وقت محلی وارد یک آتش‌بس ۱۰ روزه شوند. رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی خود نوشت که در پی این گفت‌وگوها، «دو رهبر توافق کرده‌اند برای دستیابی به صلح میان طرفین، از ساعت پنج بعدازظهر به وقت شرق آمریکا، آتش بس رسمی ۱۰ روزه‌ای را آغاز کنند.»

او همچنین افزود که به جی دی ونس معاون رئیس‌جمهور، مارکو روبیو وزیر امور خارجه و دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش، دستور داده است تا با اسرائیل و لبنان برای تحقق یک صلح پایدار همکاری کنند». درحالی‌که خبر اعلام آتش‌بس ۱۰ روزه میان اسرائیل و لبنان در صدر اخبار رسانه‌های جهانی قرار گرفت، تنها چند ساعت بعد نشانه‌های شکنندگی این توافق آشکار شد؛ به‌طوری‌که ارتش لبنان از بمباران چند روستا در جنوب این کشور به دست اسرائیل خبر داد. هم‌زمان، حزب‌الله نیز اعلام کرد در واکنش به این نقض آتش‌بس،

رویتیز هم در گزارش تازه خود مدعی شد که دو طرف در حال حرکت به سمت یک توافق موقت یا «یادداشت‌فاهم» هستند؛ توافقی که می‌تواند از بازگشت به جنگ جلوگیری کند و فرصت ۶۰ روزه‌ای برای مذاکرات نهایی فراهم آورد. موضوعاتی مانند مدیریت تنگه هرمز، آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران و سرنوشت اورانیوم غنی‌شده، ازجمله محورهای اصلی اختلاف باقی‌مانده هستند. با توجه به نکات یادشده، فضای کنونی را می‌توان «خوش‌بینی محتاطانه» توصیف کرد؛ وضعیتی که در آن هم نشانه‌های مثبت دیده می‌شود و هم موانع جدی همچنان پابرجاست. با این وجود و در حالی‌که روند مذاکرات با پیچیدگی‌های خاص خود ادامه دارد، اظهارات دونالد ترامپ نیز به یکی از متغیرهای مهم این معادله تبدیل شده است. او مدعی شده که ایران با عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای موافقت کرده و حتی از احتمال امضای توافق در پاکستان سخن گفته است.

ترامپ همچنین از «روابط خوب» با ایران سخن گفته و ابراز امیدواری کرده که توافقی مثبت در راه باشد. علی‌رغم این صحبت‌های ترامپ، بسیاری از منابع داخلی این اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده را بیشتر در چارچوب فضاسازی سیاسی ازجمله تأثیرگذاری بر قیمت بنزین در آمریکا ارزیابی می‌کنند. در مقابل برخی گزارش‌ها تأکید دارند که اختلافات اساسی همچنان پابرجاست؛ از جمله موضوع غنی سازی اورانوم و خروج ذخیره آن از ایران که پیش‌تر به‌عنوان خطوط قرمز آمریکا مطرح شده بود و با مخالفت تهران روبه‌رو شد. در سطح بین‌المللی نیز بازیگران مختلف در حال ایفای نقش هستند. ترکیه، مصر و عربستان در تلاش برای پیشبرد دیپلماسی منطقه‌ای هستند و چین و روسیه نیز هرچند محتاط تحولات را در دنبال می‌کنند. در نهایت، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، تدوام مسیر دیپلماسی در کنار مدیریت میدانی بحران است. به نظر می‌رسد اگرچه مسیر پیش‌رو همچنان دشوار و پرچالش است، اما مجموعه تحولات اخیر، پنجره‌ای واقعی، هرچند شکننده برای دستیابی به توافق ششوده است.

نصرت‌الله تاجیک: ترامپ به دنبال گرفتن اهرم‌های ایران است

در شرایطی که هم‌زمان با تشدید تنش‌ها در منطقه و طرح ادعای محاصره دریایی ایران از سوی دونالد ترامپ، گمانه‌زنی‌ها درباره سناریوی واقعی واشنگتن و نسبت آن با مسیر مذاکرات افزایش یافته، «شرق» در گفت‌وگویی با نصرت‌الله تاجیک به بررسی این تحولات پرداخته است؛ تحلیلی که بیش از هر چیز بر «ابهام در هدف‌گذاری آمریکا» و در عین حال «لزوم بازخوانی راهبردی رفتار ایران» تأکید دارد. سفیر پیشین ایران در اردن با اشاره به دشواری طراحی سناریو برای رفتارهای اخیر واشنگتن، معتقد است: «اساساً پیش‌شرط هرگونه سناریونویسی، شفاف‌بودن اهداف یک بازیگر است؛ شرطی که به باور من در مورد ترامپ وجود ندارد». به گفته او، «وقتی اهداف یک اقدام یا عملیات روشن نباشد، سناریونویسی دقیق عملاً امکان‌پذیر نیست. یکی از ایرادات اصلی که حتی در رسانه‌های جریان اصلی غرب، اندیشکده‌ها و تحلیلگران اروپایی و آمریکایی مطرح می‌شود، همین بی‌برنامگی و بی‌هدفی در رفتار ترامپ است.»

به گفته مشاور پیشین وزیر امور خارجه در حوزه خاورمیانه، «حتی در داخل آمریکا نیز انتقادات جدی نسبت به نحوه عملکرد رئیس‌جمهور مطرح است؛ چراکه او نه‌تنها فاقد

تلفنی با جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، دو طرف توافق کرده‌اند از نیمه‌شب به وقت محلی وارد یک آتش‌بس ۱۰ روزه شوند. رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی خود نوشت که در پی این گفت‌وگوها، «دو رهبر توافق کرده‌اند برای دستیابی به صلح میان طرفین، از ساعت پنج بعدازظهر به وقت شرق آمریکا، آتش بس رسمی ۱۰ روزه‌ای را آغاز کنند.»

او همچنین افزود که به جی دی ونس معاون رئیس‌جمهور، مارکو روبیو وزیر امور خارجه و دن کین، رئیس ستاد مشترک ارتش، دستور داده است تا با اسرائیل و لبنان برای تحقق یک صلح پایدار همکاری کنند». درحالی‌که خبر اعلام آتش‌بس ۱۰ روزه میان اسرائیل و لبنان در صدر اخبار رسانه‌های جهانی قرار گرفت، تنها چند ساعت بعد نشانه‌های شکنندگی این توافق آشکار شد؛ به‌طوری‌که ارتش لبنان از بمباران چند روستا در جنوب این کشور به دست اسرائیل خبر داد. هم‌زمان، حزب‌الله نیز اعلام کرد در واکنش به این نقض آتش‌بس،

رویتیز هم در گزارش تازه خود مدعی شد که دو طرف در حال حرکت به سمت یک توافق موقت یا «یادداشت‌فاهم» هستند؛ توافقی که می‌تواند از بازگشت به جنگ جلوگیری کند و فرصت ۶۰ روزه‌ای برای مذاکرات نهایی فراهم آورد. موضوعاتی مانند مدیریت تنگه هرمز، آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده ایران و سرنوشت اورانیوم غنی‌شده، ازجمله محورهای اصلی اختلاف باقی‌مانده هستند. با توجه به نکات یادشده، فضای کنونی را می‌توان «خوش‌بینی محتاطانه» توصیف کرد؛ وضعیتی که در آن هم نشانه‌های مثبت دیده می‌شود و هم موانع جدی همچنان پابرجاست. با این وجود و در حالی‌که روند مذاکرات با پیچیدگی‌های خاص خود ادامه دارد، اظهارات دونالد ترامپ نیز به یکی از متغیرهای مهم این معادله تبدیل شده است. او مدعی شده که ایران با عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای موافقت کرده و حتی از احتمال امضای توافق در پاکستان سخن گفته است.

ترامپ همچنین از «روابط خوب» با ایران سخن گفته و ابراز امیدواری کرده که توافقی مثبت در راه باشد. علی‌رغم این صحبت‌های ترامپ، بسیاری از منابع داخلی این اظهارات رئیس‌جمهور ایالات متحده را بیشتر در چارچوب فضاسازی سیاسی ازجمله تأثیرگذاری بر قیمت بنزین در آمریکا ارزیابی می‌کنند. در مقابل برخی گزارش‌ها تأکید دارند که اختلافات اساسی همچنان پابرجاست؛ از جمله موضوع غنی سازی اورانوم و خروج ذخیره آن از ایران که پیش‌تر به‌عنوان خطوط قرمز آمریکا مطرح شده بود و با مخالفت تهران روبه‌رو شد. در سطح بین‌المللی نیز بازیگران مختلف در حال ایفای نقش هستند. ترکیه، مصر و عربستان در تلاش برای پیشبرد دیپلماسی منطقه‌ای هستند و چین و روسیه نیز هرچند محتاط تحولات را در دنبال می‌کنند. در نهایت، آنچه بیش از همه اهمیت دارد، تدوام مسیر دیپلماسی در کنار مدیریت میدانی بحران است. به نظر می‌رسد اگرچه مسیر پیش‌رو همچنان دشوار و پرچالش است، اما مجموعه تحولات اخیر، پنجره‌ای واقعی، هرچند شکننده برای دستیابی به توافق ششوده است.

خوش‌بینی محتاطانه درباره دور جدید مذاکرات

با تحقق نسبی پیش‌شرط‌های ایران، اکنون توجه‌ها به دور جدید مذاکرات معطوف شده است. گزارش‌های مختلف ازجمله بلومبرگ و رویترز نشان می‌دهند که دو طرف در حال بررسی تمدید آتش‌بس برای فراهم‌کردن زمان بیشتر جهت مذاکرات هستند. کاخ سفید نیز اعلام کرده مذاکرات از کانال پاکستان «سازنده» بوده و احتمال برگزاری دور بعدی در اسلام‌آباد زیاد است. حتی از احتمال مذاکرات مستقیم میان دو طرف نیز سخن گفته شده است. در همین حال، منابع آمریکایی به ای‌بی‌سی نیوز گفته‌اند که ارتباط میان هیئت‌های مذاکره‌کننده ادامه داشته و احتمال برگزاری دیدار جدید پیش از موعد پایان آتش‌بس (چهارشنبه هفته جاری) وجود دارد. ای‌بی‌سی نیوز همچنین مدعی شد به گفته مقامات آمریکا، هدف دولت ترامپ این است که واشنگتن و تهران را تا آستانه

روایت «شرق» از تحولات تازه در مسیر پریپچ و خم توافق؛ از سفر عاصم منیر به ایران تا توافق لرزان در لبنان

دیپلماسی در نقطه چرخش

نصرت‌الله تاجیک: ترامپ به دنبال گرفتن اهرم‌های ایران است

توجهی‌هی منطقی و قانع‌کننده برای افکار عمومی داخل و خارج آمریکا در قبال اقدامات نظامی و حمله به مناطق غیرنظامی ازجمله مسکونی، آموزشی، پزشکی و میراثی است، بلکه هدف کلان مشخصی نیز ندارد و در دستیابی به اهداف مرحله‌ای خود نیز ثبات و پایدنی لازم را نشان نمی‌دهد و مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد. تاجیک خاطرنشان می‌کند: «ترامپ برخلاف سیاست‌مداران حرفه‌ای، از حوزه تجارت وارد سیاست شده و فاقد یختگی لازم برای تصمیم‌گیری‌های کلان با پیامدهای استراتژیک است؛ به‌ویژه در موضوعی همچون ورود به جنگ با ایران که متأثر از اغفال نتانیاهو و در راستای تثبیت برتری اسرائیل در منطقه بوده است.» به گفته او، «این ویژگی‌ها، در کنار ذهن آشفته و خصوصیات روان‌شناختی وی، تحلیل رفتار او را پیچیده‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیرتر می‌کند.»

با این حال، این نیلیمات بازنشسته یادآور می‌شود: «می‌توان به‌جای سناریونویسی دقیق، به نوعی استنباط راهبردی از مجموعه اقدامات آمریکا رسید». او بر این باور است که «در پس این رفتارهای متغیر، یک چارچوب کلی قابل شناسایی است؛ برداشت من این است که ترامپ در چارچوب راهبردی حرکت می‌کند که هدف نهایی آن، گذار از فشار حداکثری به سمت تضعیف حداکثری ایران از طریق از بین بردن اهرم‌های قدرت و بازدارندگی و حتی ایجاد وضعیتی شبیه به یک سرزمین سوخته است؛ به‌گونه‌ای که ایران توان بازیگری مؤثر در مسیر خارجی خود را از دست بدهد.» وی می‌افزاید: «آنچه ترامپ را به این نقطه رسانده، اشتباه محاسباتی دولت و تیم امنیت ملی او در ارزیابی میزان آسیب‌پذیری بازدارندگی ایران بر اثر سیاست‌های منطقه‌ای بوده است.»

به زعم تاجیک، «اشتباه محاسبه دوم، در برآورد عزم و اراده ایران برای دفاع از حقوق و دستاوردهای نرم و سخت خود بوده است». او تأکیدی می‌کند: «ایران نشان داده برای احقاق حقوق خود، به‌ویژه در حوزه‌هایی که با رفع تنهایی استراتژیک، تثبیت حاکمیت ملی و تمامیت ارضی گره خورده و جنبه هویت ملی یافته‌اند، این بازی مذاکره می‌آید، نه برای تسلیم و از بین بردن اهرم‌های قدرت خود». او در ادامه می‌گوید: «آمریکا دچار خطاست اگر بخواهد اسرائیل را به‌عنوان شمشیر داموکلس بر سر منطقه نگه دارد. بدون رفع اشغال، مشکلات منطقه حل نخواهد شد و اسرائیل نیز آینده‌ای بهتر از گذشته نخواهد داشت؛ مگر آنکه آمریکا بپذیرد توازن منطقه‌ای از درون و توسط بازیگران منطقه شکل گیرد، نه با حمایت یک جانبه و به بهای ارتکاب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت.»

از منظر این تحلیلگر حوزه غرب آسیا، «این راهبرد در چند مرحله عملیاتی دنبال شده و نوعی جنگ ترکیبی چندلایه علیه ایران را شکل داده است». او توضیح می‌دهد: «مرحله نخست، جنگ ۱۲ روزه با هدف ضربه به توان هسته‌ای ایران بود. مرحله دوم، بهره‌برداری از اعتراضات داخلی و تلاش برای تبدیل آن به جنگ شهری و ایجاد شکاف اجتماعی، حتی از طریق ترویج آشوب و دخالت بازیگران خارجی بود. مرحله سوم نیز در چارچوب آتش‌بس که از آن به‌عنوان یک رضمان یاد می‌شود و هدف آن تضعیف یا حتی حذف توان موشکی ایران بوده است.» تاجیک تأکید می‌کند: «در مجموع، هدف این مراحل، خارج‌کردن اهرم‌های قدرت ایران در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای و همچنین تشدید شکاف‌های داخلی و کاهش انسجام ملی، با هدف نهایی تغییر ساختار حاکمیتی، حتی به بهای تجزیه کشور بوده است.»

با این حال او معتقد است: «واشنگتن در ارزیابی میزان موفقیت خود دچار خطای محاسباتی شده است. هرچند ایران در برخی حوزه‌ها آسیب دیده، اما این به معنای از دست رفتن کامل قدرت بازدارندگی آن نیست». به گفته سفیر اسبق ایران در اردن، «تهران همچنان اهرم‌های مهمی در اختیار دارد و حتی می‌تواند از ظرفیت‌هایی مانند مدیریت تردد در تنگه هرمز، نه برای اخلال در اقتصاد جهانی، بلکه برای اعمال فشار برای توقف تجاوز و اقدامات غیرقانونی بهره بگیرد». در همین چارچوب، او با اشاره به تنگه هرمز، آن را یکی از مهم‌ترین عرصه‌های برز این اهرم‌ها می‌داند و می‌گوید: «ایران می‌توانست از سال‌ها قبل با استفاده از ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل و قوانین دریاها، نقش فعال‌تری در مدیریت این تنگه ایفا کند. با این حال، هنوز هم در نشده و می‌توان این مزیت راهبردی را به یک مزیت رقابتی ت تبدیل کرد.»

او درباره رویکرد مطلوب در این حوزه تأکید می‌کند: «واقعاً ایران، نه در بستن تنگه هرمز است و نه در رهاکردن آن، بلکه در مدیریت هوشمندانه آن، و حفظ جریان عادی حمل‌ونقل بین‌المللی نهفته است.» به گفته تاجیک، «این مدیریت می‌تواند به یک مزیت اقتصادی و سیاسی تبدیل شود و حتی هسته یک اقتصاد دریامحور را شکل دهد؛ از ارائه خدمات دریایی و لجستیکی گرفته تا توسعه گردشگری واقعی واشنگتن و نسبت آن با مسیر مذاکرات افزایش یافته، «شرق» در گفت‌وگویی با نصرت‌الله تاجیک به بررسی این تحولات پرداخته است؛ تحلیلی که بیش از هر چیز بر «ابهام در هدف‌گذاری آمریکا» و در عین حال «لزوم بازخوانی راهبردی رفتار ایران» تأکید دارد. سفیر پیشین ایران در اردن با اشاره به دشواری طراحی سناریو برای رفتارهای اخیر واشنگتن، معتقد است: «اساساً پیش‌شرط هرگونه سناریونویسی، شفاف‌بودن اهداف یک بازیگر است؛ شرطی که به باور من در مورد ترامپ وجود ندارد». به گفته او، «وقتی اهداف یک اقدام یا عملیات روشن نباشد، سناریونویسی دقیق عملاً امکان‌پذیر نیست. یکی از ایرادات اصلی که حتی در رسانه‌های جریان اصلی غرب، اندیشکده‌ها و تحلیلگران اروپایی و آمریکایی مطرح می‌شود، همین بی‌برنامگی و بی‌هدفی در رفتار ترامپ است.»

به گفته مشاور پیشین وزیر امور خارجه در حوزه خاورمیانه، «حتی در داخل آمریکا نیز انتقادات جدی نسبت به نحوه عملکرد رئیس‌جمهور مطرح است؛ چراکه او نه‌تنها فاقد

من کامل را در سایت «شرق» بخوانید